

<div>پایه‌های موسوی</div>

صاحب‌امتیاز:
مؤسسه مطبوعاتی هوشمند رسانه امروز
مدیر مسئول:
مازیار هوشمند
سر دبیر:
علی هوشمند
مدیر گرافیک:
فاطمه فیضی
صفحه آرا:
محمد عباسی
نشانی دفتر مرکزی:
طاققانی بعد از پمپ بنزین وزیری - ساختمان شاتل - طبقه اول-واحد ۲
تلفن:
۰۹۱۷۶۶۰۰۵۵۲
نمابر:
۰۲۱-۸۹۷۸۳۳۳۱
پست الکترونیکی:
payameasalooye@gmail.com
p.asalooye@gmail.com
وبسایت:
چاپ: کار و کارگر

پایه نامه عسولویه را در اینجا بخوانید payameasalooye.ir

این نامه اخلاق حرفه‌ای روزنامه

<div><div>۶</div></div>	
یادداشت	دکتر عباس فضلی

زیستن در سایه ی مرگ به بهانه چاپ کتاب مغازله با مرگ

مرگ پدیده ی عجیبی است. آن قدر با افکار جاری در زندگی جسمانی ما تصادد دارد که صحبت کردن در باره ی آن دشوار است. ماهیت آن را نمی شناسیم از این رو در مواجهه ی ذهنی با آن ترسی مبهم بر ما استیلا می یابد. مرگ به یک قاره ی دور، به یک سرزمین دور از دسترس شباهت دارد که شما در باره ی آن حرف های متضاد زیادی می شنوید. بعضی می گویند وجود دارد. پاره ای منکر وجود آن هستند. گروهی می گویند پدیده ی بسیار زیبایی است. عده ای می گویند به شدت سخت و تلخ و دلهره آور است. بعضی ها می گویند از زندگی در این جهان بهتر است و این در حالی است که برخی بر این باورند چیزی زیباتر از زندگی وجود ندارد و مرگ تنها سکوت است و فراموشی. اما اجازه بدهید با آن رو به رو شویم. این قاره ی دور وجود دارد و دیر یا زود همه ی ما به آن سفر خواهیم کرد.(گفت و گو با فلینی، برت کاردولو، ترجمه آرمان صالحی ص ۸۹)

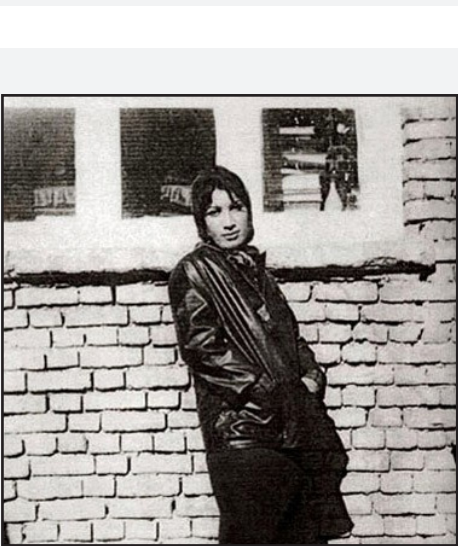
چنان که در مقدمه ی کتاب «مغازله با مرگ» آورده ام من این کتاب را از سر تقفّن و تفلسف به نگارش در نیاورده ام بلکه همواره با دغدغه ی مرگ زیسته ام. بدان معنا که زیستن را در سایه ی مرگ تجربه کرده ام. و در حین نوشتن مقالات، مرگ را پیش چشم خود قرار داده ام. چه زیباست هنگام با زیستن در اندیشه ی مرگ باشی نه این که آن را فقط برای همسایه بخواهی و تمام فکر و ذکرت بازخوانی و واکاوی علت مرگ دیگران باشد. در حقیقت این رویکرد نوعی خودفریبی و فراقکنی است که در زندگی آدمیان رخ نمی نمایاند.

در هر صورت من با مرگ زیسته ام و در سایه ی مرگ مسیر زندگی را پیموده ام. ترکیب «مغازله با مرگ» یا به عبارت دیگر «زیستن در سایه ی مرگ» با کتاب پیشین ام یعنی «زیستن در نوشتن» همخوانی دارد. مهم این است که ما حیاتی شرافتمندانه و کرامت پیشه را تجربه کنیم چرا که نوشتن و مرگ بهانه ای است برای زندگی مفید و انسانی. جالب تر این که در پی تدوین کتاب دیگری در حوزه ی ادبیات فارسی هستم که عنوان «مواجهه



با متن» برایش انتخاب کرده ام. این عنوان با «مغازله با مرگ» هم آواست. بعضی با متن مواجهه اند و برخی با مرگ. یعنی با نوشتن یا یادکرد مرگ به زندگی خود معنا می بخشند غفلت نکنیم که کنش های ما همواره در ردّ مردن صورت می گیرد. خندیدن، گریه کردن، گفتگو، امید داشتن و گذشته نگری همه در راستای نسیان مرگ است. حتی وقتی از مردن سخن می گوئیم به نوعی می خواهیم آن را عقب بیندازیم. ذکر خاطرات گذشته های دور در دوران کهنسالی، در جهت فراموشی مرگی است که نزدیک است. به قول والتر بنیامین در مقاله ی تزهایی در باره ی فلسفه ی تاریخ، آن رویدادی که می خواهد فراموش شود، به یاد آورده می شود. اما باید دریابیم اگر مرگ نبود، دست ما در پی چیزی می گشت (سپهری)

یکی از دغدغه های اصلی فیلسوفان رواقی، مرگ اندیشی است. سنکا گفته است که با از دست دادن هر آنچه خوشایند است، می توان حسی چون مرگ را تجربه کرد. و چون خود مرگ رسید، دیگر هراس و تشویشی در دل نداری. چنان که مارکوس اورلیوس در کتاب «تأملات، به وفور از مرگ سخن می گوید و گفته هایش در مقاله ی «مرگ از نگاه اورلیوس» بازآفرینی کرده ام. مرگ جزئی از حیات آدمی است ولی ما گاه به گونه ای می زبیم که گویا مردنی در کار نیست. آن جاست که مرگ غافلانه به سراغ مان می آید. به قول برابرن مگی " ما انسان ها موجودات غربیی هستیم، ته دلمان خیال می کنیم مردنی نیستیم. قرار نیست بمیریم. بقیه می میرند ولی ما نه. آدم می رود جنگ، می بیند تمام رفقای دوربرش کشته شده اند ولی باز باورش نمی شود که خودش هم بمیرد. با خودش می گوید: نه من فرق دارم. اینهایی که بیماری لاعلاجی گرفته اند و مرگ خزشان را چسبیده، باز تا آخرین لحظه باورشان نمی شود که قرار است بمیرند. خودشان را گول می زنند. آدم این جورِی است دیگر. نوبت مرگ خودش که می رسد از دیدن بدیهی ترین چیزها ناتوان است.(مواجهه با مرگ ص ۸۸)



خانم مسکنی به دور از خودمحوری و به شکل کاربردی به سیر و روند زندگی خانوادگی فروغ، انگیزه فکری و هنری، فعالیت‌های هنری، فرهنگی- اجتماعی و آثارش در زمینه‌های مختلف با نگاهی نسبتاً جامع می‌پردازد و او را از نگاه دیگران به مخاطب می‌شناساند. او سعی کرده ضمن رعایت خط قرمزهای حوزه نشر توجه لازم را به مناسبت‌های کودک و نوجوان داشته باشد. کتاب «فروغ فرخزاد» در سه بخش تنظیم شده است؛ بخش اول نگاهی اجمالی و نسبتاً جامع به زندگی خانوادگی فروغ دارد و او را به مخاطب معرفی می‌کند.

بخش دوم که صفحات بیشتری از کتاب را دربرمی‌گیرد، به فعالیت‌ها و آثار شعری فروغ، معرفی کتاب‌ها و منتخب اشعار او پرداخته و از ویژگی‌های اشعار در فرم، گونه و قالب تعاریفی در حد شناخت و هماهنگ با مخاطب با ذکر مثال آورده است و محتوای شعر «ایمان بیابوریم» او را در یک پاراگراف تحلیل کرده که ذهن مخاطب نوجوان را به چالش می‌کشد و در او کنجکاری و اشتیاق برای خواندن کامل اشعار فروغ ایجاد می‌کند تا مخاطب خود به درک ارزش هنری و محتوایی شعر فروغ برسد.

در این فصل مخاطب با فیلم، کارهای مستند فروغ، تاریخچه، سیر ساخت و موضوع آن‌ها آشنا می‌شود و انگیزه‌ای برای پیگیری و دیدن فیلم برای نوجوان به وجود می‌آید و او را با چهره جهانی‌اش آشنا می‌سازد.

علاوه براین مخاطب با داستان‌ها، ترجمه‌ها، گفت‌وگوها و سفرنامه‌ها با گستره فعالیت‌های هنری- ادبی و فرهنگی فروغ آشنا می‌شود و با توجه به نگاه چندبعدی، خلاق و پرسشگر او درمی‌یابد که فروغ چهره ادبی- فرهنگی ماندگار است و در تمام آثارش عشق و زندگی موج می‌زند.

دست‌هایم را در باغچه می‌کارم سبز خواهد شد، می‌دانم، می‌دانم در این فصل مخاطب ضمن آشنایی با آثار فروغ، درونمایه عشق و زندگی در آثار و رویکرد جسورانه‌اش در بیان خواسته‌هایش پی می‌برد و این‌که لحن و سبک فروغ منحصر به فرد و تنها شاعر مستقل و اجتماعی است که با زبانی شیوا و سری پرشور آن‌چه در ذهن و سرش می‌گذرد، بیان می‌کند و در غمبارترین اشعارش عشق به زندگی و حقیقت‌های آن موج می‌زند و همواره نوید زندگی سبز و رستن‌های ماندگار می‌دهد.

بخش سوم و پایانی کتاب، نگاه دیگران نسبت به فروغ است که جنبه‌های گوناگون و شگفت‌آوری از چهره چندبعدی فروغ را بازمی‌گشاید. کتاب در کل دیدی کلی و شناختی درخور مخاطب می‌دهد، گزینش چهره‌ها ملموس و مناسب است اما بهتر بود اگر در طرح و بوم صفحه و به دلیل رنگ کاغذ و طرح‌های خاکستری آن‌ها که از ابعاد زیبایی‌شناسی کاسته است، توجه بیشتری می‌شد تا چشم‌نوازتر و ملوس‌تر و با روحیه نوجوان امروزی سازگارتر باشد. جای خالی این‌گونه پژوهش‌ها در ادبیات ما حس می‌شود و برای نشر گویا و دست‌اندرکاران پروژه «قرار با ستاره» آرزوی توفیق داریم و امید است با انتشار آثار مناسب برای کودکان و نوجوانان قدیم‌های بیشتری در راه اعتلای ادبیات و آینده‌سازان برداشته شود.»



روایتی از فروغ فرخزاد برای نوجوانان

ناهدی معتمدی در نوشتاری به معرفی و بررسی کتاب «قرار با ستاره ۵، فروغ فرخزاد» به کوشش زهره مسکنی پرداخته است.

به گزارش ایسنا، این مدرس، پژوهشگر و منتقد ادبیات کودک همزمان با سالروز درگذشت فروغ فرخزاد در یادداشتی درباره کتاب «قرار با ستاره ۵، فروغ فرخزاد» به کوشش زهره مسکنی نوشته است:

«پرواز را به خاطر بسیار، پرنده مردنی است. ویژگی یک شعر یا متن باز پویایی، درگیر شدن در حوزه معنا و شناخت است. نگاه تیزبین و ذهن فعال و قوی هنرمند در دیدن، گزینش موضوع و محتوای آثار از عوامل مهم خلق و آفرینش یک اثر باکیفیت است که می‌تواند با مخاطب کودک و نوجوان ارتباط برقرار کند. نویسندگان باید با خلق آثارشان اطلاعات ذهنی مخاطبان خود را به آگاهی تبدیل کنند و به شناخت برساند. کتاب (آثار هنری، داستان و شعر و ...) باید ابزاری باشد که اندیشیدین بیشتر را در کودکان و نوجوانان تقویت کند، کتاب محرک و تقویت‌کننده حافظه است نه تخریدکننده.

اثر پُلی است بین مخاطب و هنرمند، اثر موفق می‌تواند با مخاطب ارتباط برقرار کند. وجود نگرش فلسفی هنرمند و چندبعدی نگاه کردن به هنر(داستان، شعر، تصویر) باعث برانگیخته شدن و ارتباط ذهنی و روانی با مخاطب می‌شود. در آموزش و پرورش ایستا و مکانیکی اثری از ادبیات معاصر در کتاب‌های درسی وجود ندارد و اگر هم هست، نوع گزینشی و مثله کردن متن، کودک و نوجوان را برنمی‌انگیزد. حال آن‌که کودکان باید با مطالعه آزاد و وجود ادبیات معاصر در کتاب‌های درسی به ادبیات علاقه‌مند شوند و آن را بشناسند.

در شرایط کنونی به علت نبود آثاری هماهنگ با نوجوانان، نشر گویا مجموعه «قرار با ستاره» را منتشر کرده که پروژه‌ای است در معرفی شاعران و نویسندگان معاصر، نوجوانان امروزی علاقه‌مند به مطالعه داستان و شعر با سطح آگاهی و اطلاعات و شناختی که از جامعه و جهان دارند، چون آثار مربوط به گروه سنی خود آن‌ها را راضی نمی‌کند به آثار بزرگسالان گرایش دارند چرا که فاصله نگاه و دید هنرمندان ما با مخاطب آثارشان بسیار است یا دایره تنگ واژگان، تشبیهات کلیشه‌ای و تکراری، مفاهیم سطحی و زبان بزرگسال توجه آن‌ها را جلب نمی‌کند.
برای شناخت بیشتر آن‌ها آشنا شدن نوجوانان با مشاهیر ادب و فرهنگ معاصر ایران‌زمین پژوهش‌هایی روی زندگی و آثار نویسندگان و شاعران معاصر انجام و چاپ و منتشر شده است. جا دارد قدردان نشر گویا و پژوهشگران پروژه «قرار با ستاره» باشیم که قدم مثبتی در آشنایی نوجوانان با چهره‌های ادبی، فرهنگی برداشته‌اند. اکنون دو سری از او پنج مجموعه در قالب ۱۷ جلد برای کودکان ۱۴ سال به بالا منتشر شده است.

قالب کتاب‌ها به سبک بوک آزین (BOOKAZINE) ، و معروف به کتاب – میله است.

شماره پنج مجموعه «قرار با ستاره»، به کوشش خانم زهره مسکنی، به معرفی فروغ فرخزاد یکی از ستاره‌های هنر و فرهنگ ایران اختصاص یافته است. شاعر برجسته، چهره هنری، فیلمساز، مترجم، بازیگر، مستندساز که از او پنج دفتر شعر به چاپ رسیده و سروده‌هایش به چندین زبان ترجمه شده‌اند.



تاریخ بوشهر از صفویه تا زندیه

است. بنا به گفته‌ی حمزه، از منابع اولیه‌ی اسلامی، ريو اردشير در روزگار او ريشهر خوانده مي‌شد. توماس چك ادعا نموده كه هم ريشهر است. او تنها فردي نبود-كه اين طور تصوّر مي‌کرد، زيرا ميرزاحسن‌خان اعتمادالسلطنه (۱۸۹۶-۱۸۴۰) وزير اطلاعات ناصرالدين شاه (۱۸۹۶-۱۸۴۰) و مؤلف شماري آثار مكتوب هم در سال ۱۸۷۷ مي‌نويسد كه بوشهر «در اين اواخر، يا به عبارتي توسط شيخ نصر عرب، بنا شده است» كه تلويحاً اشاره دارد كه اين رويداد صرفاً در قرن ۱۸، رخ داده است. با وجود اين، او مي‌افزايد-كه از اشياء مكشوفه به وضوح مي‌توان دريافت كه بوشهر محلّ بندري در پيش از اسلام است .

با همهي اين‌ها، چنين مي‌نمايد-كه بوشهر داراي تاريخ است كه فقط راجع به آن اطلاعات بسيار اندكي موجود است. بر اساس اطلاعاتي كه تاكنون انتشار يافته، چنين مي‌نمايد كه فقط اطلاعات بسيار زيادي درباره‌ي برههي بعد از ۱۸۰۰ موجود است كه حتا با توجه به داده‌هاي موجود، اين اطلاعات هم ناچيز مي‌نمايد. بوشهر امروزين در منتها اليه شمالي شبه جزيره‌اي كه به شكل سيگار بريگ است و از ماسه سنگ‌هاي دوران چهارم زمين‌شناسي ساخته شده، قرار دارد. درازاي اين شبه جزيره حدود ۱۲ مایل و عرض آن در پهن‌ترين قسمت ۶ كيلومتر است كه به موازات سرزمين اصلي واقع شده و در ميانه توسط دشتي ماسايي (سيخه، سيخ‌زار) به پهناي حدود۳ مایل موسوم به "مشيله" به سرزمين اصلي متصل مي‌گردد. مشيله در فصل زمستان، به خصوص هنگام وزش بادهاي شديد و مدّ دريا، به باتلاقي نيستاني مبدّل مي‌گشت كه از روي آن مسيري كاروان‌رو به طرف سرزمين اصلي كشيده مي‌شد و اين احساس را به وجود مي‌آورد كه بوشهر در واقع جزيره است.

منشأ و ريشه‌ي نام بوشهر گنگ و مبهم است. بر اساس ريشه‌شناسي عاقله اين نام به معنای اوبشهر يا پدر شهر است كه بسيار مبهم و مشکوك مي‌نمايد. ا.هوتوم شيندلر A.HOUTUM SCHINDLER ادعا کرده كه اين نام محقّق و صورت کوتاه‌شده‌ي واژه‌ي "بخت اردشير" (اردشير رهايي يافته) مي‌باشد. با توجه به محل و موقعيت روستاي ريشهر در شبه جزيره، ساير محققان بر اين باورند كه ريشه و منشأ اين نام، شهر ديگري موسوم به "ريو اردشير" است، كه اردشير آن را بنا نهاده